اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۲۰)

رشد معنوی (۲۳)

نماز و سبک زندگی (۱۸)

بیاد بیاوریم

یاد گرفتیم که خدا کسی را به زور به جهنم نمی اندازد، بلکه هرکسی سبک و استایلی را ادامه میدهد که در این دنیا انجام داده است و بدست آورده است. هر کسی که در دنیا به هر سبکی زندگی کرده، در آخرت به همان سبک زندگی می‌کند و این سبک، نتیجه انتخاب‌هایش است، نه اجباری از سوی خدای رحمان. هر کسی به جهنم می رود، خودش، خودش را به جهنم می برد.

این ثابت میکند که ما باید با مسئولیت و جدیت بیشتر به سبک و استایل زندگی دنیوی خود نگاه کنیم. خدای رحمان عادل است و عدالت او همراه با کینه و خشم نیست؛ بلکه هر کسی را آنچه که شایسته اوست، میدهد.

هر کسی که در این دنیا دنبال متاع ناچیز دنیایی و مصرف گرائی و اسراف بوده است، در جهنم به او داده خواهد شد ولی اینبار از آن خیر نخواهد دید و ماهیت واقعی این متاعها رونمایی می شود. خدای رحمان هر وقتی از جهنم صحبت می فرماید، موکدا و مکررا از ظلم نکردن به بندگان صحبت می فرماید، زیرا جهنم همانی است که انسان خودش آن را میخواسته است.

ذَلِك بِمَا قَدَّمَت أَيْدِيكُم وَ أَن اللهَ لَيْس بِظَلاَّم لِلْعَبِيدِ (آل‌عمران: ١٨٢)

این بخاطر چیزی است که دستهای شما از پیش فرستاده (و نتیجه کار شماست) و بخاطر آن است که خداوند، به بندگان (خود)، ستم نمی‌کند.

مَن عَمِل صَالِحَاً فَلِنَفْسِه وَ مَن أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَ مَا رَبُّك بِظَلاَّم لِلْعَبِيدِ (فصلت: ٤٦)

کسی که عمل صالحی انجام دهد، سودش برای خود اوست و هر کس بدی کند، به خویشتن بدی کرده است و پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.

مَا يُبَدَّل الْقَوْل لَدَي وَ مَا أَنَا بِظَلاَّم لِلْعَبِيدِ (ق: ٢٩)

سخن من تغيير ناپذير است، و من هرگز به بندگان ستم نخواهم كرد!

خود جهنم از قبل خلق شده است ولی شرایطش توسط خود مردم گردانده میشود. به همین خاطر است که خدا می فرماید که مردم در جهنم هیزم جهنم خواهند شد. این خلق، نه به معنای اجبار، بلکه به معنای آماده‌سازی یک محیط برای پاسخگویی به انتخاب‌های انسان است.

خدای رحمان هیزم جهنم را نار (آتش = گرمی) می نامد. هیزم جهنم همان گرمی ها و نارها و انرژی های اضافی ای است که مردم در این دنیای فانی برای خود ایجاد میکنند. آدمیان نارها و هیزمهای زیادی در این دنیای فانی برای خود جمع میکنند. این نارها و هیزمها همان خودخواهی ها، بی تفاوتی، بی رحمی، شقاوت، اسراف، زیاده روی، ظلم، بر هم زدن میزان و ترازو، ایجاد بی اعتمادی در جامعه، فحشاء و ... است.

فَإِن لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَن تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاس وَالْحِجَارَة أُعِدَّت لِلْكَافِرِين (بقره: ۲۴)

پس اگر چنین نکنید- که هرگز نخواهید کرد- از آتشی بترسید که هیزم آن، بدنهای مردم (گنهکار) و سنگها [بتها] است، و برای کافران، آماده شده است!

وَ أَمَّا الْقَاسِطُون فَكَانُوا لِجَهَنَّم حَطَباً (جن: ۱۵)

و امّا ظالمان آتشگیره و هیزم دوزخند!

إِنَّكُم وَ مَا تَعْبُدُون مِنْ دوُن الله حَصَب جَهَنَّم أَنْتُم لَهَا وَارِدُون (انبیاء: ۹۸)

شما و آنچه غیر خدا می‌پرستید، هیزم جهنّم خواهید بود و همگی در آن وارد می‌شوید.

انسانها در این دنیای فانی، خودشان هیزم آن دنیا را برای خود جمع می کنند.

وَامْرَأَتُه حَمَّالَة الْحَطَب (مسد: ۴)

و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم‌کش است

هر کسی در این دنیای فانی دنبال این نوع نارها و آتشها برود، در جهنم هم به آن خواهد رسید ولی در جهنم دیگر قابل کنترل نیست، زیرا آتشها در جهنم اشتراکی است و خاصیت وحدت وجود در میان آتشها برقرار است. جهنم توسط جهنمیان قابل کنترل و قابل مدیریت نیست. این آشی است که خودشان در دنیا پخته بودند.

هر کسی که در دنیا به دنبال دوستی‌های بی خودی بوده، در آخرت به همین نوع دوستیها می‌رسد که البته هیچ‌کس نمی‌تواند به او نزدیک شود و دوستی در جهنم بی معناست و همه اش تضاد است و افراد مثل خروس جنگی به هم می پرند.

قَال ادْخُلُوا فِي أُمَم قَدْ خَلَت مِنْ قَبْلِكُمْ مِن الجْنِ وَالْإِنْس فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَت أُمَّة لَعَنَت أُخْتَهَا حَتَّي إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعاً قَالَت أُخْرَاهُم لِأُولاَهُم رَبَّنَا هَؤُلاَءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِم عَذَاباً ضِعْفَاً مِن النَّارِ قَال لِكُل ضِعْف وَ لَكِنْ لاَ تَعْلَمُون (اعراف: ٣٨)

(خدا به آنها) می‌گوید: «در صفّ گروه‌های مشابه خود از جنّ و انس در آتش وارد شوید!» هر زمان که گروهی وارد می‌شوند، گروه دیگر را لعن می‌کنند تا همگی با ذلّت در آن قرار گیرند. (در این هنگام) گروه پیروان درباره پیشوایان خود می‌گویند: «خدایا! اینها بودند که ما را گمراه ساختند پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن! (کیفری برای

گمراهیشان، و کیفری بخاطر گمراه ساختن ما.)» می‌فرماید: «برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است ولی نمی‌دانید! (چرا که پیروان اگر گرد پیشوایان گمراه را نگرفته بودند، قدرتی بر اغوای مردم نداشتند.)»

هر کسی که در دنیا به دنبال این بوده که خودش را بزرگ نشان دهد، در آخرت به همان بزرگی می‌رسد اما بزرگی ای که هیچ کس به آن نگاه نمی‌کند و اصلا مهم نیست. هر کسی که در دنیا به دنبال جلب توجه بی حد و حصر بوده، در آخرت به همان می‌رسد اما هیچ کس به او اهمیت نمی‌دهد، و او تنها می‌ماند و یک نیاز روانی ارضا نشده.

ذُق إِنَّك أَنْت الْعَزِيزُ الْكَرِيم (دخان: ۴۹)

(به او گفته می‌شود:) بچش که (به پندار خود) بسیار قدرتمند و محترم بودی! و هستی!

هر کس در این دنیا کور بوده است، در آخرت هم کور خواهد بود. کور در این دنیا کسی است که آیات و نشانه های جایگذاری شده در این دنیا را نمی بیند و نگاه هم نمی کند و یا از آن استفاده نمی کند و از آن عبرت نمی گیرد. خیلی طبیعی است که این افراد نسبت به این نشانه ها کور شوند و در نتیجه

در جهنم هم بهتر است که اینها را نبینند و فقط چیزهایی را ببینند که دنبالش بوده اند. کوری در جهنم به این معناست که چیزهای زیادی نمی بینند و جایی مثل جهنم نشانه های یادآوری کننده و زیبا در آن نیست. اگر مقداری خوشی برای گناهکاران در این دنیای فانی فعلی هم هست، بخاطر زیبایی های طبیعی و رحمانی است و گرنه گناهکاران چیزهای دیگری میخواهند.

وَ مَنْ كَان فِي هَذِه أَعْمَي فَهُوَ فِي الْآخِرَة أَعْمَي وَ أَضَل سَبِيلاً (اسراء: ۷۲)

اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است!

وَ مَن أَعْرَض عَنْ ذِكْرِي فَإِن لَه مَعِيشَة ضَنْكاً وَ نَحْشُرُه يَوْم الْقِيَامَة أَعْمَي (طه: ۱۲۴)

و هر کس از یاد من روی‌گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محشور می‌کنیم!

قَال رَب لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَي وَ قَدْ كُنْت بَصِيراً (طه: ۱۲۵)

می‌گوید: «پروردگارا! چرا نابینا محشورم کردی؟! من که بینا بودم!

قَال كَذَلِك أَتَتْك آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَ كَذَلِك الْيَوْم تُنْسَي (طه: ۱۲۶)

می‌فرماید: «آن گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی امروز نیز تو فراموش خواهی شد!

وَ كَذَلِك نَجْزِي مَن أَسْرَف وَ لَم يُؤْمِنْ بِآيَات رَبِّه وَ لَعَذَاب الْآخِرَة أَشَدُّ وَ أَبْقَي (طه: ۱۲۷)

و این گونه جزا می‌دهیم کسی را که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد! و عذاب آخرت، شدیدتر و پایدارتر است!

در این دنیای فانی خیلی نشانه ها و آیات زیبا و قشنگ و آرامش بخش خلق شده است. اگر به آن توجه نکنید و آن را نادیده بگیرید و از آن برای رشد معنویت خود استفاده نکنید، در آخرت خبری از اینها نیست و یک دنیای فیلتر شده در اختیار افراد قرار می گیرد که فقط بدی ها و شرّ در اختیار اوست که همه اش اذیت است. کسانی که در این دنیای فانی دنبال شرّ هستند و شرّ را می پسندند، در میان دنیا وجه بدش را انتخاب می کنند، ولی در آخرت خبری از این زیبایی ها نیست و دقیقا یک دنیای شرّ و فیلتر شده که همان جهنم است در اختیارشان قرار خواهد گرفت. اما کسانی که وارد بهشت شوند، خدای رحمان زیبایی ها از انواع مختلفش را در اختیارشان قرار خواهد داد و

بدی ها و شرّ هایی که به اشتباه انتخاب کرده بودند را خواهد پوشانید و از آن صرف نظر میکند و آنان را مورد رضوان و مغفرت خود قرار میدهد. خدای رحمان در بهشت، بدی ها و نیات شرّ ما را پاک میکند و آن را در نظر نمی گیرد. خدا در بهشت می فرماید که ای بنده من، تو در دنیای فانی، در میان آن همه شرّ و گناه، توانستی خوبی را پیدا کنی و آن را اجرا کردی و حالا پاداش این کارت را میدهم و برای همیشه در بهشت جاویدان من زندگی کن.

کسی که به دنبال جمع کردن نور نبوده است، در آخرت نور نخواهد داشت. این یک قاعده ساده است. این دستاورد خودش است. به این طریق آخرت آینده ای از دنیاست که با دستان خود ساخته ایم و هیچ اجباری نه در این دنیا و نه در جهنم نیست و نبوده است و نخواهد بود. اگر در بد بودن، اجباری نبوده است، در جهنم هم اجباری نیست و همین روال ادامه دارد.

جهنم ادامه معنویت انسانهاست که به معنای سقوط معنویت است و همان اسفل سافلین است که انسان برای خودش انتخاب میکند. از نظر خدا اسفل سافلین است ولی انسان خودش انتخابش کرده است. جهنم انتخاب خود انسانهاست ولی بهشت انتخاب خود خدای رحمان است برای ما. به همین خاطر خدا مهربان و خیرخواه ماست. اگر انسان در این دنیا رها شود، بدون شک جهنم را انتخاب میکند.

خدا پیام می فرستد، نشانه ها و آیات فراوانی در این دنیا گذاشته است تا که ما این مسیر را درست طی کنیم و انتخاب درستی انجام دهیم. هر طلوع و غروب خورشید، نه فقط برای گرم کردن و سرد کردن زمین، بلکه برای این است که انسان در آن اوقات نمازش را بجا آورد. هر بارانی که از آسمان می بارد، نه فقط برای سیراب کردن حیوانات و گیاهان است، بلکه برای این است که معلوم شود که انسان به چه صورتی آن را می نگرد و آن را استفاده میکند. اما در جهنم، خدا اینها را در اختیار او قرار نمی دهد و به او می گوید که این وضعیتی است که خودت خواستی و خودت این سبک از زندگی را انتخاب کردی. چیزهایی که نسبت به آن بی توجه بودی را برایت بر میدارم و یک محیط خشک و خالی بدون معنویت در اختیارت است. برو ببینم چکار می کنی!

جهنم، نه فقط یک مکان زجرآور، بلکه یک دنیای فیلتر شده است که در آن همه چیز به سوی سمت و سوی شرّ آن فیلتر شده که تو خودت در این دنیای فانی دلت با آن بود.

انسانها باید بوسیله صبر و نماز و سایر امکانات، عملا دیدی از معنویت را در خود بوجود آورند که در آخرت، براساس این دید انتخابشان شکل گیرد. بهشت نصیب شما میشود، بخاطر معنویتی که در این دنیا عملا کسب کرده

اید. همانطور که معنویت ما، سبک و استایل زندگی دنیوی ما را می سازد، میتواند بهشت ما را هم بسازد. اگر معنویتی که اتخاذ می کنیم، نتواند قلب ما را سالم کند و دل ما را مطمئن کند، نتواند شک و شبهه ها را از بین ببرد، یعنی روش بهشتی را قبول نداریم. معنویت ما در دنیای فانی، موقعیت ما را در بهشت و یا در جهنم می سازد و البته هم زمان موقعیت ما را در این دنیای فانی هم می سازد. مومنان کسانی هستند که بوسیله نماز و روزه و صبر در میان تاریکی ها و شرّهای زیاد این دنیا، راهی را برای عبور از آن پیدا می کنند و کسانی که در این راه تلاش و کوشش کرده باشند، خدا آنان را کمک خواهد کرد و آنان را هول هم میدهد و خدا با آنهاست.

وَالَّذِين جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُم سُبُلَنَا وَ إِن الله لَمَع الْمُحْسِنِين (عنكبوت: ۶۹)

و آنها که در راه ما (با خلوص نيّت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدايتشان خواهيم کرد و خداوند با نيکوکاران است.

معنویتی که میتواند ما را نجات دهد، در سبک و استایل زندگی ما نهفته است که باید اجرایش کنیم، با روان و کالبد خود تا که شک و شبهه ها را در خود از بین برده و خود را پاک کنیم و به یقین و اطمینان در این روش برسیم. اگر

روی سبک زندگی خویش نتوانیم به یقین برسیم، نمی تواند ما را به بهشت برساند. امید است که بتوان با این روشهای معنوی و معنوی زندگی کردن، دید درست و پاک و بهشتی از این دنیا و دنیای آخرت برای خود ایجاد کنیم و در آن به یقین برسیم.

پیامبر ابراهیم خیلی زیبا، دنیا و سبک زندگی خود را معنویت می دهد. او می گوید:

وَ أَنَّه هُوَ أَضْحَكَ وَ أَبْكَي (نجم: ۴۳)

و اینکه اوست که خنداند و گریاند،

وَ أَنَّه هُوَ أَمَات وَ أَحْيَا (نجم: ۴۴)

و اوست که میراند و زنده کرد،

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِين (شعراء: ۷۹)

و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید،

وَ إِذَا مَرِضْت فَهُوَ يَشْفِين (شعراء: ٨٠)

و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد،

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُم يُحْيِين (شعراء: ٨١)

و کسی که مرا می‌میراند و سپس زنده می کند،

وَالَّذِي أَطْمَع أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْم الدِّين (شعراء: ٨٢)

و کسی که امید دارم خطاهایم را در روز جزا ببخشد

رَب هَب لِي حُكْمَاً وَ أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِين (شعراء: ٨٣)

پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن!

وَاجْعَل لِي لِسَان صِدْق فِي الْآخِرِين (شعراء: ٨۴)

و برای من در میان امّتهای آینده، زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَة جَنَّة النَّعِيم (شعراء: ۸۵)

و مرا وارثان بهشت پرنعمت گردان

وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّه كَان مِن الضَّالِّين (شعراء: ۸۶)

و پدرم را بیامرز، که او از گمراهان بود!

وَ لاَ تُخْزِنِي يَوْم يُبْعَثُون (شعراء: ۸۷)

و در آن روز که مردم برانگیخته می‌شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن!

يَوْم لاَ يَنْفَع مَال وَ لاَ بَنُون (شعراء: ۸۸)

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد،

إِلاَّ مَن أَتَي اللهَ بِقَلْب سَلِيم (شعراء: ٨٩)

مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!

این کاملترین و زیباترین راز و نیازی است که یک انسان میتواند با خدا بکند. این راز و نیاز نه تنها دعاست، بلکه یک جهان بینی و سبک زندگی هم هست. زیرا در این جملات، طرز بینش، طرز زندگی و همه چیز واضح و روشن بیان شده است.

وقتی می گوید که :

او خداست که می خنداند و می گریاند و او خداست که می میراند و زنده میکند و اوست که مرا سیر میکند و مرا سیراب میکند و اوست که مرا شفا میدهد، وقتی بیمار میشوم.

این سبک دیدگاه، مالک و خالق اول و آخر دنیا را خدا میداند. خدا نه فقط خالق، بلکه لحظه به لحظه زندگی ما را هم تدبیر میکند. خنده های واقعی و گریه های واقعی از فقط خدا می آید و لاغیر. پس کسی که دلش خنده و گریه واقعی میخواهد، فقط نزد خدا و در روشهای رحمانی ایجاد میشود. او

حتی تغذیه خود را هم به خدا نسبت میدهد. این ثابت میکند که تغذیه یک نوع معنویت است و باید معنویت بر او حاکم باشد و گرنه انسان با انعام فرقی نخواهد داشت.

در ادامه پیامبر ابراهیم می گوید که:

و کسی که امید دارم گناهم را در روز جزا ببخشد.

این جمله نهایت تسلیم او را می رساند. ابراهیم نمی گوید که من خوب هستم و پس بخشیده میشوم. ابراهیم میداند که بخشش در این دنیا، بخاطر رحمت و مغفرت خداست. خداست که برای هر کسی شرایط مخصوص به او را برایش پیش میاورد و این فرصتها را جلو پای او قرار میدهد تا که فرد آن را استفاده کند و گرنه ما به تنهایی توانایی بوجود آوردن شرایط برای بخشش خود را نداریم. ما تا این حد ناتوان و ضعیف هستیم. هیچ فرصتی در زندگی ما تصادفی نیست و باید به نحو احسن آن را استفاده کنیم. ابراهیم در خانواده ای بدنیا آمد که بت تراش بودند. ابراهیم حتی از این فرصت برای پیشبرد اهداف حنیفانه خود استفاده کرد.

این نوع جهان بینی و دید نه تنها نشانه ضعف ابراهیم نبود، بلکه خود اصل معنویت واقعی است. ابراهیم برای پدرش هم دعا میکند، زیرا به هر حال

این فرصت به همگی داده شده است و خدا به همه انسانها این فرصتها را داده است. نکته مهم دیگری که در حرفهای ابراهیم دیده میشود، این است که ابراهیم معنویت و بینش خود را بصورت دعا و راز و نیاز با خدا مطرح میکند. این است که دعا مهمترین راه ارتباطی ما انسانها با خداست و به همین خاطر است که در دعاها نباید از غیر خدا تقاضا کنیم و این فرصت بسیار مهم را نباید از دست بدهیم.

در ادامه ابراهیم میگوید که:

خدایا به من حکمت بده و مرا جزو صالحان قرار بده.

این نشان میدهد که حکمت و معنویت فقط یک دانش ذهنی مثل فلسفه های معمول میان انسانها نیست، بلکه حکمت یک سبک زندگی است و اصلا اگر حکمت ما در سبک زندگی ما عیان و مشخص نباشد، به هیچ دردی نمی خورد. این حکمت نه تنها باید سبک زندگی ما باشد، بلکه مقدمه ای برای پیوستن به سایر افراد صالح است. چون به هر حال بهشت برین از آن صالحان خواهد شد. پس حکمت و معنویت ما باید، ما را به بهشت برساند و گرنه بی فایده است. بعضی ها می گویند که ما خدا را می پرستیم نه برای بهشت، بلکه برای خودش. از این حرفهای الکی که خودشان هم نمی دانند

چی میگویند. این حرف، مثل حرف ابلیس بود که گفت من بخاطر آدم سجده نمی کنم و به همین بهانه، امر خدا را رد کرد.

در جای دیگری میگوید که :

و کسی که امید دارم خطاهایم را در روز جزا ببخشد.

این جمله پیامبر ابراهیم نشانگر این است که او منکر خطاهای خود نیست و بلکه از خدا میخواهد آن را ببخشاید. این است که ابراهیم مثل بعضی ها ادعای مصونیت از خطا نمی کند. به این طریق ابراهیم در دعایش، خود را نمی ستاید و اشکالات و واقعیات را می گوید. درستش هم همین است. آدمی در دعا، با خدای رحمان صحبت می کند و اصلا جالب نیست که در حضور خدا، وقتی با او صحبت می کنیم، خود را ستایش کنیم و برای خود به به و چه چه کنیم. در واقع دعا یک اقرار و اعتراف هم هست. این دعای پیامبر ابراهیم، فقط یک دعا نبود و بلکه سبک زندگی او بود.

به این طریق دعا به درگاه خدا، سجده به خدا، جزو لاینفک سبک زندگی ما باید باشد. پیامبر ابراهیم سبک زندگی خود را به دعا تبدیل کرد و آن را با خدا گفتگو کرد و درد دل کرد. این نوع درد دل، پشت گرمی است و تجدید میثاق هم هست. این ثابت میکند که دعا در دلِ زندگی است و زمان خاصی

ندارد و جزو سبک زندگی است. دعا مرور کردن معنویتی است که ما در زندگی به کار می بریم. مرور کردن سبک زندگی در قالب دعا و راز و نیاز بسیار جالب است و ما را مصمم تر میکند. زیرا دعا ترکیبی از منطق و احساس است و تاثیر فوق العاده ای بر اطمینان قلبی ما دارد. بعضی از مردم فکر میکنند که دعا، خواندن متنهایی است که از قبل تهیه شده است و یا از متنهای مذهبی تاریخی به آنها رسیده است. در حالی که پیامبر ابراهیم زندگی خود را با دعا بیان میکند و او در واقع دعا را زندگی میکند. دعایی که از متن زندگی برآید، خالصانه و از ته دل است و مورد قبول خدای رحمان واقع میشود. دعا چیزی است که نباید در آن از کسی تقلید کنید و بلکه باید طبق زندگی و سبک زندگی شما باشد.